

**بررسی مطالعه جامعه شناختی نقش عوامل فرهنگی – اجتماعی بر مشارکت سیاسی
(مطالعه موردی: جوانان شهر تبریز در سال ۱۳۹۶)**

هوشنگ نجفی^۱، مهرداد نوابخش^{۲*}، بهرام قدیمی^۳، طهمورث شبیری^۴، ابراهیم متقی^۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

DOI: 10.30495/jisds.2023.53445.11247

چکیده

مشارکت سیاسی یکی از شاخصه‌های برجسته علوم سیاسی است که سرنوشت مهمی برای افراد و جامعه را در بردارد. حق مشارکت سیاسی به این معناست که افراد جامعه حق دارند آزادانه و در چارچوب قوانین در تصمیم‌گیری برای امور کشور سهیم باشند. عوامل مختلفی بر مشارکت سیاسی اقشار و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تأثیر دارند. پژوهش حاضر بر آن است تا نقش عوامل فرهنگی – اجتماعی را بر مشارکت سیاسی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تبریز در سال ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دهد. جهت برآورد حجم نمونه در این پژوهش از فرمول کوکران استفاده شده است که طی آن تعداد نمونه لازم ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. روش نمونه‌گیری در مقاله حاضر، چند مرحله‌ای و خوشه‌ای است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کنش و رفتار فرهنگی و اجتماعی در حد بسیار بالایی با میزان مشارکت سیاسی جوانان رابطه معنی‌داری دارد.

واژگان کلیدی: رفتار فرهنگی، کنش اجتماعی، مشارکت سیاسی، جوانان، تبریز

^۱ دانشجوی مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(E mail: hooshanghnajafi@gmail.com)

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
(E mail: mehrdad_navabakhsh@yahoo.com)

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(E mail: dr.b.ghadimi@gmail.com)

^۴ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(E mail: shiri.tahmures@gmail.com)

^۵ استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(E mail: emottaghi@ut.ac.ir)

بیان مسأله

مشارکت آحاد جامعه، از جمله مباحثی است که از قدمت دیرینه‌ای برخوردار بوده و چگونگی مشارکت سیاسی شهروندان، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های خاطر سیاسی اندیشان و جامعه‌شناسان را تشکیل می‌دهد (عنایت، ۱۳۶۴: ۲۳۹). در ادبیات سیاسی معاصر، آنچه حکومت‌های مردمی را از دیگر انواع حکومت‌ها متمایز می‌کند، مشارکت فعال مردم در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درباره‌ی سرنوشت خود می‌باشد. درباره‌ی حکومت مردم سالار، گفته شده که حکومتی است از مردم، برای مردم و به وسیله‌ی مردم (عالم، ۱۳۶۸: ۲۰۳). دین اسلام به دلیل ضرورت و اهمیت مشارکت و همبستگی مردم آن را مورد توجه قرار داده و در متون اسلامی می‌توان توصیه‌های فراوانی را در این باره یافت. امام علی (ع) می‌فرماید: (ای مردم مصر، نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی داریم، اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید، ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم، جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند (نهج البلاغه، نامه ۶۲). وربا و کیم در کتاب «مجموعه راهنمای علوم سیاسی» مشارکت سیاسی را چنین تعریف کرده‌اند: «مشارکت سیاسی تمام فعالیت‌های قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش قصد دارند به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنها تأثیر گذارند» (فیرحی، ۱۳۷۷: ۴۳). لستر میلبراث مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می‌داند. در این تعریف حیطه‌ی عمل مردم در امر مشارکت سیاسی شامل اعمال فشار، رقابت و تأثیرگذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است (چابکی، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

هانتینگتن از صاحب نظران معروف علم سیاست مشارکت سیاسی را به معنی فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری دولت می‌داند. به نظر او اشکال مشارکت سیاسی عبارتند از: فعالیت در انتخابات، اعمال نفوذ، فعالیت سازمانی و عضویت در گروه‌ها و نفوذ احزاب، ایجاد رابطه فردی با مقامات قدرتمند، خشونت و استفاده از زور برای تأثیر گذاشتن بر تصمیمات دولت است (هانتینگتن، ۱۳۷۰: ۵۱).

برخی دیگر مشارکت سیاسی را مترادف با «درگیری» سیاسی به کار برده‌اند و منظور از درگیری را هر نوع دخالت ظاهری (از نظر دخالت‌کننده) در سیاست، اعم از مشارکت سیاسی تا بی‌تفاوتی آگاهانه سیاسی و در پایان طیف عناد و مخالفت سیاسی دانسته‌اند. (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۲۵)

مشارکت سیاسی، در هر جامعه‌ای تحت تاثیر شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی و ... آن جامعه شکل خاصی به خود می‌گیرد. و در جوامع در حال توسعه یا در حال دموکراتیزه شدن نیز افزایش میزان مشارکت سیاسی جوانان یکی از سنجه‌های مهم گذار به سوی دموکراسی محسوب می‌شود. مشارکت سیاسی جوانان که بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند، اهمیت خاصی برای ثبات و پویایی جامعه دارد. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوالات است که: عوامل موثر در میزان مشارکت سیاسی جوانان کدامند و تاثیر این عوامل در میزان مشارکت سیاسی جوانان چیست؟

پیشینه تحقیق

درباره دموکراسی و مشارکت سیاسی افراد و اقشار مختلف مردم تحقیقات بسیاری توسط پژوهشگران انجام شده‌است. در اغلب این تحقیقات بر ابعاد خاصی از دموکراسی به‌ویژه مشارکت سیاسی تاکید دارند و آن را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. در این بخش به مرور تعدادی از تحقیقات انجام شده در رابطه با مشارکت سیاسی و ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود.

پیشینه داخلی

قاسمی (۱۳۷۹)، در تحقیقی تحت عنوان تحلیلی بر وضعیت مشارکت سیاسی زنان اصفهان پرداخته است، که این تحقیق بین ۵۰۰

زن ۲۰ تا ۳۹ ساله ساکن در مراکز شهرستان‌های استان اصفهان می‌باشد و نتایج تحلیل نشان داد که زنان خانه دار و بی‌کار (اعم از ازدواج نکرده، غیردانشجو و بدون درآمد) در مقایسه با زنان دانشجو و شاغل از سطح مشارکت سیاسی بسیار پایین تری برخوردارند. همچنین گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ ساله نیز سطح مشارکت سیاسی بالاتری را نسبت به گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ ساله نشان می‌دهد. زنان اصفهانی که در خانواده‌های بانفوذ اجتماعی بیشتر و سطح رفاه بهتر زندگی می‌کنند نیز از سطح مشارکت سیاسی بالاتری نسبت به سایر افراد برخوردارند. براساس نتایج این پژوهش هرچه اطلاعات سیاسی زنان افزایش یابد سطح مشارکت سیاسی آنان نیز افزایش خواهد یافت. از میان عوامل فردی و خانوادگی تاثیرگذار بر سطح مشارکت سیاسی نیز به ترتیب متغیرهای اطلاعات سیاسی، نفوذ اجتماعی خانواده و وضع تاهل از اهمیت بیشتری نسبت به بقیه برخوردارند.

رضی (۱۳۷۴)، نیز به پژوهشی تحت عنوان بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته و معتقد است روند رفتار مردم دارای فراز و نشیب بوده است و متغیرهای اجتماعی از قبیل مذهب، شهرنشینی تعداد جمعیت شهری و... نقش مؤثر داشته‌اند. به نحوی که تورم، بیکاری و شهرنشینی تأثیرات منفی، سواد و جنسیت بیشترین تأثیر مثبت را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند.

در پژوهش دیگری که توسط ساروخانی و هاشمی (۱۳۹۰)، انجام شده، به نگرش جوانان شهر ساری به مشارکت و احساس امنیت اجتماعی در بین آنها پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر ساری تشکیل داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده که بین مشارکت و روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد. طاهر موسوی (۱۳۷۷)، به بررسی مشارکت سیاسی و عوامل موثر بر آن در قالب نظریه‌های روانشناختی پرداخته است و نتایج بدست آمده حاکی از آن است که اگر فرد نسبت به پاداشها و مزایای حاصله از آن ارزش بالایی قایل باشد و نیز نسبت به اثر بخشی فعالیت سیاسی خود اطمینان بالایی داشته باشد و در نهایت اگر احساس کند که اطلاعات کاملی در مورد نامزدهای انتخاباتی کسب کرده، به احتمال زیاد، در انتخابات شرکت خواهد کرد.

پیشینه خارجی

درباره موضوع مشارکت سیاسی افراد جامعه، پژوهشگران خارجی بیشتر از محققان داخلی به غور و بررسی پرداخته‌اند که از آن میان می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره کرد.

جمنا و کارلرو (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی» بر روی گروهی از دانشجویان رومانی نشان داده‌اند که میزان رای دادن در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بالاتر از افرادی است که مشارکت سیاسی نداشتند.

لیپست (۲۰۱۴) در خصوص فعالیت‌های سیاسی در کشورهای آلمان، سوئد، نروژ و فنلاند و... نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که تفاوت‌های شهری و روستایی در برخی مشارکت‌های سیاسی مانند انتخابات وجود دارد؛ ولی شامل برخی دیگر نمی‌شود. در کشورهایی که دارای سنت‌های قدیمی رهبری جمعی هستند، مشارکت در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. لیپست به این نتیجه می‌رسد که الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان، تحصیل کرده‌ها بیش از افراد کمتر آموزش دیده، شهرنشینان بیش از روستاییان، افراد میانسال بیش از جوانان و کهنسالان، متأهلین بیش از مجردین، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از افرادی که عضویت ندارند، در انتخابات شرکت می‌کنند.

نظریات جامعه‌شناسان در فهم مشارکت سیاسی

تالکوت پارسونز:

در بحث اجتماعی شدن افراد می‌گوید: انسان در بخش ارگانیک سه گرایش خام دارد. گرایش ادراکی که ناظر به شناخت است، گرایش ارزیابی که به خوب و بد ارزش‌ها می‌رسد و گرایش هنجاری که باید‌ها و نبایدها را تعیین می‌کند. وقتی ارگانیک با فرهنگ برخورد می‌کند، این گرایش‌های خام شکل می‌گیرد و نظام شخصیتی را بوجود می‌آورد و از این به بعد، نظام شخصیتی، فرد را به سوی هدف می‌راند و موجب کنش اجتماعی می‌شود. از برآیند کنش‌های اجتماعی، نظام اجتماعی شکل می‌گیرد که بیانگر یگانگی، وفاق، مشارکت حقیقی افراد باهم و اعتماد آنها به یکدیگر است و فرد در این سیستم اجتماعی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۳).

فرهنگ از طریق جامعه‌پذیری به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آنها درونی می‌شود و این عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید. این کارکرد عمدتاً در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز می‌شود. هر چند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز کارکرد و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۸۹، ۲۵۰).

مشارکت افراد در امور سیاسی به عنوان یک رفتار، در قدم اول نیازمند کسب اطلاع، ایجاد شناخت و یادگیری درخصوص اهمیت و چگونگی آن می‌باشد؛ ولی هر کسی که شناخت اولیه‌ای درباره مشارکت سیاسی کسب کرد، ضرورتاً دست به این کار نخواهد زد، چرا که زنجیره بروز رفتاری ویژه، مانند مشارکت سیاسی، اساساً نیاز به در نظر گرفتن مهارت‌هایی است که افراد دارند و نیز منابع در دسترس آنان دارد. در قالب رویکرد مدرنیزاسیون، به اعتقاد هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این فرایند از دو طریق برگسترش مشارکت اثر می‌گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است. کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت کرده و نگرش او را نسبت به توانایی‌اش در تاثیر نهادن بر تصمیم‌گیری مساعد می‌سازد. این نگرش‌ها، زمینه مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا بی‌قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت موثر می‌افتد (ربیعی، ۱۳۸۰، ۷۳).

ماکس وبر:

ماکس وبر^۱ (دانشمند و جامعه‌شناس آلمانی) در تبیین رفتار اجتماعی انسان و کارکرد نظام جامعه، چارچوب تحلیل خاصی را ارائه کرد؛ که معروف به «جامعه‌شناسی تفهیمی» است. او با تفاوت گذاشتن بین علوم طبیعی، علوم تاریخی و اجتماعی از خصلت‌های ویژه علوم تاریخی و اجتماعی آن است، که آدمیان را در تفهیمی بودن، تاریخی بودن و ناظر بر فرهنگ بودن مشترک می‌داند، در پی ادراک، توضیح و تبیین رفتارهای اجتماعی آدمیان برآمد؛ به گونه‌ای که بتواند تبیین «حقیقی» را به دست آورد. وبر اعتقاد داشت؛ که رفتار انسانها را باید در چارچوب ذهنی و عینی‌ای که آفریده می‌شوند؛ مورد مطالعه و بررسی قرار داد. از این رو، علمی که واقعیت بشری، یعنی رفتارهای آدمیان، قوانین، نهادها، نظام‌های سیاسی، نظریه‌های علمی، ... را مطالعه می‌کنند؛ باید در پی تفهیم و تبیین ارزش‌هایی باشند؛ که شکل‌دهنده آن واقعیت‌های بشری هستند. در تحلیل آنها باید به بازسازی مفاهیمی همت گماشت؛ که شکل‌دهنده محتوای علوم، فرهنگ و تاریخ می‌باشند. بنابراین، ماکس وبر در روش‌شناسی عقیده داشت؛ که باید مجموعه تعابیر و مفاهیم بازسازی شده از ارزش‌های حاکم بر موضوع تحقیق (گروه، حزب، نهاد و نظام سیاسی) را انتخاب نموده و در یک تجزیه و تحلیل منطقی به چگونگی و کیفیت آن دست پیدا کرد و دلیل پیدایش آن‌را هم کشف نمود. از دیدگاه وبر جامعه‌شناسی، به قابل فهم کردن دستگاه باورها و رفتار جوامع اکتفا نمی‌کند؛ بلکه درصدد آن است، که چگونگی رویدادها را بنمایاند و نشان دهد که یک شیوه اعتقادی معین، چگونه شیوه خاص عمل را تعیین می‌کند. به اعتقاد وبر، پژوهش علمی می‌تواند، در دو جهت پیش رود؛ علیت تاریخی و علیت جامعه‌شناختی. علیت تاریخی آن است، که اوضاع و احوال ویژه‌ای را که موجب وقوع رویدادهایی شده‌اند؛

^۱ Max Weber

تعیین می‌کند. علت جامعه‌شناختی، بنا را بر این می‌گذارد؛ که نسبتی منظم میان دو عمل وجود دارد. ماکس وبر، جامعه‌شناسی را علم کنش اجتماعی می‌داند و در پی آن است، که با کشف قواعد موجود در رفتارهای انسان‌ها، به تبیین و تغییر کنش اجتماعی دست زند. از دیدگاه وی کنش‌ها، آن دسته از رفتارهای انسانی هستند، که متضمن معنی و مقصود می‌باشند و هنگامی اجتماعی می‌شوند؛ که در ارتباط با دیگران قرار می‌گیرند. اصالت وبر در این است، که ساختها و نهادهای اجتماعی را از کردار گوناگون انسان که معنا ساز و معنا پرور است، جدا نمی‌کند. بنا بر همین نگرش، در جامعه‌شناسی وی، همواره مفهوم کردار اجتماعی رخ می‌نماید. کردار تا زمانی «رفتار» انسانی تلقی می‌شود؛ که فرد یا افراد عامل، به نوعی کنش که دارای معنای ذهنی است، دست می‌زنند. چنین رفتاری ممکن است، درونی یا برونی باشد و نیز امکان دارد؛ که کنش یا انصراف از آن را شامل شود. اصطلاح «رفتار اجتماعی» در مورد فعالیت‌هایی به کار می‌رود؛ که بر حسب معنا و مقصودی که افراد عامل، برای آن قایل هستند، با رفتار دیگران مرتبط بوده و بر اساس آن جهت‌گیری می‌شوند. بنابراین نظام تحلیلی ماکس وبر، شامل بیرون کشیدن منطق درونی نهادهای بشری و درک خصوصیات آنها می‌باشد. درحقیقت، وبر می‌خواهد نظامی انعطاف‌پذیر عرضه کند؛ که هم بتوان نمودهای گوناگون را در یک چارچوب مفهومی یگانه جای داد و هم اینکه از حذف کردن خصوصیت و نظام جامعه خودداری نمود. از این رو، وبر خواهان آن است، که رفتار انسان‌ها را در چارچوب کلی آنان از هستی، نموده‌ها و جنبه‌های آن درک کند. از همین جا، جامعه‌شناسی دینی او آشکار می‌گردد؛ زیرا اصول دینی نیز جزء نگرش‌های انسان‌ها بر هستی و نمودهای آن است، که باید تاثیرات آن را در رفتار اجتماعی مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه وبر، دین به عنوان یکی از منابع تعیین ارزشها می‌تواند، نقش بسزایی در رفتارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی داشته باشد. آنگاه که الزامات منطق یک مذهب با الزامات منطق یک سیستم اقتصادی یا سیاسی برخورد کند؛ شدت تاثیر مذهب و دین دو چندان خواهد بود. پیوند میان ارزشهای مذهبی و شکل‌دهندگی آنها به رفتار انسانی از وجوه مشخص اندیشه وبر است (آرون ۱۳۷۲، ۵۷۲-۵۷۱).

هانتینگتون:

هانتینگتون و نلسون^۱ مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی می‌دانند. آنان مشارکت سیاسی را تابع دو عامل نگرش و اولویت‌های نخبگان سیاسی و وضع گروه‌ها و انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسطه در خود جامعه می‌دانند و معتقدند که فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد:

الف. مجرای تحریک اجتماعی به این معنی که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌شود. به نظراین دو نویسنده، از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد یا تحصیلات فردی بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد.

ب. مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع علائق خاص و نظایر آنها) است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عوامل در جوامعی که فرصت‌های تحریک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد زیرا همانطور که گفته شد فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمان‌های اجتماعی یا احزاب سیاسی می‌پردازد اما بطور کلی دخالت در فعالیت سازمان‌ها در تبیین تفاوت سطوح مشارکت سیاسی، از منزلت اجتماعی - اقتصادی مهم‌تر است (رضایی، ۱۳۷۵، ۵۶-۵۴).

^۱ Huntington & Nelson

به نظرهائینگتون، از میان عوامل منزلتی، میزان تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. عامل دوم، معاری سازمانی، یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علائق خاص و غیره است که احتمال مشارکت در فعالیت سیاسی و اجتماعی را بیشتر می‌کند. همچنین بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوس وجود دارد و چنانچه افرادی بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، انتقال به شغل پرمزالت تریا کسب درآمد بیشتر به اهداف مورد نظر خود که همان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف نظر می‌نمایند (ریعی، ۱۳۸۰، ۷۵-۷۴).

صاحب‌نظران مکتب کنش متقابل نمادی:

طبق رویکرد کنش متقابل نمادین، خصوصیات اساسی کنش اجتماعی در «خود» افراد و ادراک آنها از رفتار دیگران شکل می‌گیرد. در چارچوب این رویکرد، می‌توان از نظریات مید^۱ و کولی^۲ بهره جست. به نظر مید، «خود» هر کس، حاصل وجه نظر جمع است و هیچ‌گونه شناسایی از خود، بدون وجه نظر دیگری و جز در منظر جمع نمی‌توان بدست آید (توسلی ۱۳۸۹، ۲۵۸).

در خانواده، والدین، ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی‌شان را از طریق بحث و گفتگو در منزل به فرزندانشان انتقال می‌دهند و به این صورت علاقه یا بی‌علاقگی خود را نسبت به مسائل سیاسی ابراز می‌کنند. مدرسه، دوستان و همکلاسی‌ها و وسایل ارتباط جمعی نیز از طریق ارائه اطلاعات و تفسیر پیرامون دنیای سیاسی بر تفکر و رفتار سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند و فرد از نظر سیاسی آنگونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن بسر می‌برد. کولی معتقد است که کنش‌های فرد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی می‌باشد که به آنها تعلق دارد و این وابستگی گروهی است که نحوه واکنش فرد در قبال مسائل سیاسی را تعیین می‌کند و در واقع رفتار فرد در پاسخ به فشارها و انتظارات اجتماعی که از سوی دوستان و خانواده بر وی وارد می‌شود، صورت می‌گیرد. بنابراین دیدگاه، افراد آنگونه می‌اندیشند که در آن به سر می‌برند. در واقع، می‌توان اذعان کرد که مردم هویت خود را در جریان تماس با دیگران کسب می‌کنند و از آنجا که رفتار و گرایش افراد در باره خویش، حاصل چیزی است که دیگران درباره فرد می‌اندیشند، گرایش‌ها و رفتارهای آشکار، همان چیزی است که از دیگران بهره جست و در جریان تماس و معاشرت کسب می‌شود (توسلی، ۱۳۸۹، ۳۲۵).

آیزن و فیش باین^۳ در نظریه کنش موجه بیان می‌کند که مشارکت سیاسی به مثابه نوعی کنش نیت مند و داوطلبانه است و بستگی به انتظار فایده و ارزیابی فایده دارد. این دو معتقدند که رفتار، بیشتر در حالت قابل پیش‌بینی، درک و توضیح است که ما به «قصد» شخص در رفتار توجه نماییم. (رفیع پور ۱۳۷۸، ۷۲). بنابراین، رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید و حلقه ماقبل بروز رفتار، «قصد» و نیت رفتاری است. الگوی آنان نشان می‌دهد که «قصد» به «گرایش‌ها» و «هنجارها» ی مرتبط به رفتار متکی است. گرایش، یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن، فرد خوب یا بد بودن یک رفتار (یا یک پدیده) را از نظر خودش ارزیابی می‌کند.

بر اساس نظریه کنش موجه، نیت‌های رفتاری، تأثیر مستقیمی بر رفتار دارند؛ بنابراین، از آنجا که مشارکت یک کنش اجتماعی است، پس می‌توان گفت که قصد و نیت فرد بر اقدام به مشارکت وی تأثیر می‌گذارد.

برای تبیین تفاوت میان افراد از نظر میزان تمایل به مشارکت یا مشارکت پذیری دو دسته نظریه مطرح گردیده است: دسته اول نظریه‌ها منشاء وبری دارند و در آن‌ها بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌شود. در این نظریه‌ها که غالباً به صورت تجربی و بیشتر در حوزه روانشناسی اجتماعی مطرح شده است، متغیری قدرتی را به عنوان مهمترین عامل مورد توجه قرار داده است. دسته

¹ George Herbert Mead

² Charles Cooley

³ Fishbein & Aizen

بررسی مطالعه جامعه شناختی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: جوانان شهر تبریز در سال ۱۳۹۶) / ۱۳

دوم نظریه‌ها بر جنبه رفتاری تأکید دارد و رفتار را بیش از آن که حاصل باورها و گرایش‌ها بدانند، نتیجه تفاوت سود و زیان تصور می‌کنند. مفروض اصلی این دیدگاه آن است که یک رفتار زمانی شکل می‌گیرد، تثبیت می‌شود و نهایتاً جنبه نهادی می‌یابد که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. به همین دلیل، مشارکت، هنگامی گسترش می‌یابد که منافع عینی آن (تصور فرد نسبت به منافع آن) بیش از هزینه‌ها (تصور ذهنی فرد نسبت به هزینه‌ها) باشد.

در این راستا، می‌توان به نظرات ملوین سیمن، اولسن و نظریهٔ دوایت دین اشاره کرد. از نظر سیمن، بی‌قدرتی، یعنی آن که فرد احتمال دهد یا انتظار داشته باشد که رفتارش نتیجه یا پاداشی را که در پی آن است به همراه نداشته باشد. این نوع نگرش، از منظر روانشناسی اجتماعی است که در آن، بی‌قدرتی از منظر شرایط عینی در جامعه بررسی نمی‌شود.

منظور اولسن از نگرش ناتوانی، حالتی است که به صورت اجباری از سوی نظام اجتماعی برفرد تحمیل می‌شود و شامل نگرش‌هایی چون سردرگمی، بی‌قدرتی و بی‌هنجاری است. وی، مشارکت سیاسی را به بحث سیاسی، مشارکت در رأی دادن و دخالت سیاسی تقسیم می‌کند. به نظر او با افزایش ناتوانی، میزان مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد. به نظر اولسن، ناتوانی متغیری است که می‌توان به مدد آن پیش‌بینی کرد آیا فرد رأی خواهد داد یا نه؟ و با استفاده از نگرش ناخشنودی می‌توان رأی منفی را پیش‌بینی کرد (اولسن ۱۹۷۶، ۲۸۸). تفاوت کار اولسن با نیل و سیمن در آن است که پژوهشگران اخیر، متغیر بی‌قدرتی را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته‌اند و اثر سازمان یافتگی و تحریک اجتماعی را بر آن بررسی کرده‌اند؛ حال آن که اولسن، متغیر بی‌قدرتی را به مثابه تبیین‌کننده مشارکت سیاسی به کار می‌برد.

دوایت دین در تلاش برای تحلیل رفتار رأی دهندگان سه مفهوم بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی را بکار می‌برد (رابینسون و شارر^۱، ۱۹۷۶، ۵۲۹). وی در پژوهش خود نشان می‌دهد که بین این سه مفهوم و رفتار سیاسی رابطه وجود دارد؛ لیکن با کنترل متغیر پایگاه اجتماعی، این رابطه پایدار نمی‌ماند.

چارچوب نظری:

در مورد دموکراسی و بخصوص مشارکت سیاسی نظرات مختلفی از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان مطرح شده و در هر کدام از آنها به سطوح مختلفی از تأثیرگذاری شهروندان در فرایند برنامه ریزی و تصمیم سازی اشاره شده است. مثلاً تحقیقات جان ترنر و دیگران در خصوص مشارکت نشان می‌دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند، هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی، توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود. (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۶۵)

در این زمینه، ماکس وبر، دولت را انحصار کاربرد مشروع قدرت در یک سرزمین معین تعریف می‌کند. از این رو شئون اجتماعی مختلفی برای کنترل دولت رقابت می‌کنند اما هیچ گروه اجتماعی مسلطی پیدا نمی‌شود. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۵۴) همچنین از نظر او اقتدار در شیوه دیوانسالاری از جمله ساخت‌های اجتماعی جامعه‌های امروزی است. بنابراین از بحث‌های وبر در این زمینه چنین برمی‌آید که او در تلاش است تا بگونه‌ای میان بوروکراسی و دموکراسی آشتی برقرار کند. با این حال بوروکراسی‌ها آنقدر بر تمرکز قدرت استعداد دارند که معمولاً وقتی از بوروکراسی سخن به میان می‌آید، آن را مترادف با سازمان‌های متمرکز می‌دانیم و به همین علت دانشمندان علوم سیاسی بوروکراسی را مغایر با رشد دموکراسی یا مردم سالاری می‌دانند. بوروکراسی‌ها که خود تمرکز سازمانی را به همراه دارند در سطح دیگر عامل تمرکز سیاسی می‌گردند و حتی در طول زمان همین بوروکراسی‌ها هستند که مانع رشد سیاسی مردم یک جامعه می‌شوند؛ زیرا وقتی بوروکراسی بر جامعه حاکم شد، هیچ عملی خلاف آن نمی‌تواند انجام گیرد. (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳۳-۱۳۴)

^۱ Robinson and charging

جان هیك، نظریه پرداز انگلیسی نیز بر وجود رابطه معکوس میان تمرکز و تغییر برنامه‌ها به سوی غیرمتمرکز و مشارکتی کردن آنها تاکید کرده، زیرا بر اساس دیدگاه قدرت-کنترل، صاحبان قدرت دریافته‌اند که جلوگیری کردن از تغییر به نفع آنهاست. چون تغییرات ساختاری توزیع مجدد قدرت را به همراه دارد (دلوی، ۱۳۷۹: ۴۸۶)

در تحقیقات کائوتری بر تاثیر اراده سیاسی دولت، ابزارهای قانونی و نهادهای مناسب اجتماعی بر مشارکت‌های مردمی تاکید شده است. (کائوتری، ۱۳۷۵: ۶۶)

از دیدگاه ارنشتاین مشارکت دارای سطوح متفاوتی است. این سطح از بی قدرتی محض شهروندی تا کنترل شهروندی ادامه دارد. او مشارکت شهروند را به پلکانی توصیف کرده است که از بی قدرتی شهروند شروع شده تا اختیار و قدرت تفویض شده شهروندی کشیده می‌شود. دو پله اول، اصلا شکلی از مشارکت مردمی را دارا نیست و فقط جنبه‌های فریبکاری و دستکاری مردمی را در خود دارد. سطح میانی که سه پله دارد به انتقال اطلاعات و دریافت پیشنهادات می‌پردازد، اما ضمانتی بر اعمال نظرات و پیشنهادات وجود ندارد و شکل یک طرفه ای دارد. اما مرحله سوم که کنترل شهروندی را شامل می‌شود شامل شراکت، تفویض اختیار و کنترل شهروندی است. در این مرحله شهروندان به کار مسئولین شهری نظارت و مدیریت دارند. نکته مهم این است که ایجاد مشارکت شهروندی به صورت پله‌ای و سلسله مراتبی است و بودن در هر مرحله دلیلی بر حرکت رو به رشد پله‌های مشارکتی است. (سایت مرجع مدیریت شهری)

در این بین علاوه بر ارائه نظریات مفهومی در خصوص مشارکت، به دلیل وجود همبستگی میان مشارکت مردمی و میزان موفقیت برنامه‌های توسعه، طیف وسیعی از مطالعات نیز به شناخت موانع و ارائه راه کارهای ارتقای مشارکت‌های مردمی سوق پیدا کرده است. کائوتری بر تاثیر اراده سیاسی دولت، ابزارهای قانونی و نهادهای مناسب اجتماعی بر مشارکت‌های مردمی تاکید کرده است. (کائوتری، ۱۳۷۵: ۶۶)

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است. با استفاده از این روش نه تنها می‌توان برای کسب واقعیات سود جست، بلکه می‌توان به مطالعه بین واقعیات، تجزیه و تحلیل علت و معلولی و آزمون فرضیه‌ها پرداخت. در روش تحقیق پیمایشی، اطلاعات کمی در مورد جهان به دست داده می‌شود و ویژگی‌های افراد یا جهان اجتماعی را توصیف می‌کند. همچنین این روش برای تبیین یا اکتشاف به کار می‌رود (نیومن ۱۹۹۴، ۲۲۲). روش تحقیق پیمایشی عمدتاً در مطالعاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که واحد تحلیل آن فرد است. این روش بهترین راه برای آن دسته از پژوهشگرانی است که علاقه‌مند به جمع آوری داده‌های واقعی برای توصیف و سنجش نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهت گیری‌های افراد در یک جمعیت خاص است. در عین تعمیم یافته‌ها و ادعاهایی که پژوهشگر از نتایج تحقیق بر روی نمونه در مورد جمعیت آماری و جمعیت کل می‌کند نیز، از مزایای دیگر است (دواس ۱۳۸۴، ۶۱) بنابراین پژوهش از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است که در محدوده زمانی سال ۱۳۹۶ انجام می‌گیرد. شیوه اجراء، پیمایشی و مکان پژوهش شهر تبریز است.

یافته‌های تحقیق

فرضیه اول:

«به نظر می‌رسد کنش اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تبریز رابطه دارد.»

جدول ۱: توزیع همبستگی متغیر اعتماد اجتماعی بامتغیر تصمیم گیری در رفتار سیاسی

کنش سیاسی	متغیر وابسته		متغیر مستقل
	کنش اجتماعی		
۰/۴۱۸	ضریب همبستگی پیرسون		
۰/۰۰۰	سطح معنی داری		
۳۸۴	تعداد		

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان کنش اجتماعی بامشارکت سیاسی جوانان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۱ رابطه متغیر میزان کنش اجتماعی با مشارکت سیاسی جوانان ساکن شهر تبریز را نشان می‌دهد. سطح معنی داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که این رابطه معنی دار می‌باشد. یعنی میزان کنش اجتماعی به عنوان متغیری مستقل بر مشارکت سیاسی جوانان ساکن شهر تبریز رابطه دارد. و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۱۸) می‌توان گفت که بین کنش اجتماعی بامشارکت سیاسی جوانان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و زیاد وجود دارد. یعنی هر چه میزان کنش اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیشتر شود، متعاقباً مشارکت سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم:

(به نظر می‌رسد کنش فرهنگی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تبریز رابطه دارد.

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان کنش فرهنگی با مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۲ رابطه متغیر میزان کنش فرهنگی با مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز را نشان می‌دهد. سطح معنی داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که این رابطه معنی دار می‌باشد. یعنی میزان کنش فرهنگی به عنوان متغیری مستقل بر مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار می‌باشد. و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۸۷) می‌توان گفت که بین کنش فرهنگی مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و در حد بسیار زیاد وجود دارد. یعنی هر چه میزان کنش فرهنگی جوانان ساکن شهر تبریز بیشتر شود، متعاقباً مشارکت سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌های زمینه‌ای

(الف) به نظرمی رسد بین تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی با جنسیت ساکنان شهر تبریز تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۲: توصیف آماری رابطه مشارکت سیاسی و جنسیت (نمونه آماری)

جمع کل	مشارکت سیاسی			جمع کل	جنسیت
	زیاد	تا حدودی	کم		
196	19	143	34	فراوانی	مرد
51.0%	4.9%	37.2%	8.9%	درصد فراوانی	
188	21	138	29	فراوانی	زن
49.0%	5.5%	35.9%	7.6%	درصد فراوانی	
384	40	281	63	فراوانی	جمع کل
100.0%	10.4%	73.2%	16.4%	درصد فراوانی	

همانطور که از داده‌های جدول ۲ پیداست مشارکت سیاسی جنس مذکر در گزینه‌های کم (۸/۹ درصد)، تا حدودی (۳۷/۲ درصد)، زیاد (۴/۹ درصد) و این مقدار برای جنس مونث در گزینه کم (۷/۶ درصد)، گزینه تا حدودی (۳۵/۹ درصد) و گزینه زیاد (۵/۵ درصد) می‌باشد.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی آزمون تی متغیرهای جنسیت و مشارکت سیاسی

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
مذکر	۱۹۶	۲۵/۹۶	۸/۶۶	۰/۶۱۹
جنس مونث	۱۸۸	۲۷/۶۱	۹/۱۳	۰/۶۶۶

آزمون تی تست (تفاوت میانگین میان دو گروه مستقل) تفاوت میانگین‌های نمرات دو گروه را نشان می‌دهد. مشخصات جدول ۳ بازگو کننده‌ی این واقعیت است که میانگین نمره‌ی تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی جنس مونث متفاوت از میانگین تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی مذکر است، میانگین نمره‌ی مشارکت سیاسی برای جنس مذکر حدوداً برابر ۲۵/۹۶ و مقدار آن برای جنس مونث برابر ۲۷/۶۱ است. یعنی بین این دو میانگین تفاوتی برابر $M.D=1/65$ نمره وجود دارد. ولی این تفاوت محسوس نمی‌باشد.

جدول ۴: آزمون تی متغیرهای جنسیت مشارکت سیاسی پاسخگویان

T-Test برای بررسی میانگین‌ها				T-Test برای بررسی واریانس‌ها			تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی
تفاوت انحراف	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری دو دامنه	درجه آزادی	T	سطح معنی‌داری	F آماره	
۰/۹۰۸	-۱/۶۵	۰/۰۷۱	۳۸۲	-۱/۸۱	۱/۳۱۹	۰/۲۵۲	با فرض برابری واریانس‌ها
۰/۹۰۹	-۱/۶۵	۰/۰۷۱	۳۷۹	-۱/۸۱			با فرض نابرابری واریانس‌ها

آزمون یکنواختی واریانس‌ها یا F ، بین واریانس‌ها تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد پس واریانس‌ها برابر هستند ($sig=1/319$). در این سطح معنی‌داری، با ۹۵٪ سطح اطمینان و خطای ۰/۰۵ فرض H_0 تایید نمی‌شود. این سطح بدین معناست که فقط ۵ نمونه از هر ۱۰۰ نمونه بر حسب تصادف به رابطه مشاهده شده در نمونه ما می‌کشد (دواس، ۱۳۷۶: ۱۹۱). نتایج آزمون T نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه به لحاظ آماری محرز نیست. بنابر این مذکر یا مونث بودن جنسیت در پاسخگویان به عنوان متغیر مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکن تبریز تأثیر نمی‌گذارد.

۴-۴- تحلیل رگرسیونی چند متغیره:

در بخش حاضر، به تحلیل رگرسیونی چند متغیره از یافته‌های بدست آمده از داده‌های تحقیق پرداخته می‌شود. هدف از این تحلیل (رگرسیونی)، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. جهت انجام این کار با استفاده از رگرسیون چند متغیره گام به گام^۱، به تبیین واریانس متغیر وابسته از طریق برآورد سهم هر متغیر مستقل می‌پردازیم. روش رگرسیون گام به گام، ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد، انتخاب می‌کند. دومین متغیری که وارد تحلیل می‌شود، متغیری است که پس از تفکیک متغیر مقدم بر آن، بیشترین افزایش را در R^2 دارد، و الی آخر. فرق این

^۱ Stepwise

روش با روش پیش رونده در آن است که در روش پیش رونده، متغیرهای وارد شده در تحلیل، در معادله باقی می‌مانند، ولی در این روش متغیرهایی که در مرحله قبلی دارای قدرت تبیین بالایی بودند، ممکن است برخی از آن‌ها در مراحل بعدی حذف شوند. به این صورت که در هر مرحله با ورود متغیر جدید هر یک از متغیرهای قبلی در حضور این متغیر جدید (به همراه سایر متغیرها)، در معرض آزمون F یا T قرار می‌گیرند و در صورتی که معنی‌دار نباشند از مدل حذف می‌شوند. این فرایند آنقدر ادامه می‌یابد تا اینکه هیچ متغیر معنی‌داری در خارج از مدل باقی نماند. روش گام به گام ترکیبی از دو روش پس رونده و پیش رونده است و به عنوان بهترین روش توصیه شده است.

کنش اجتماعی و کنش سیاسی در حدود ۴۱ درصد از مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند و در حدود ۵۹ درصد به دیگر متغیرها خارج از بحث ما ربط دارد.

جدول ۵: مدل رگرسیونی

متغیرهای اضافه شده به مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	اشتباه معیار برآورد	دوربین واتسون
مشارکت سیاسی	.414 ^a	.378	.376	7.050	۱/۴۴

نتیجه گیری

رفتارهای سیاسی متکی بر موقعیت و شرایطی می‌باشند که می‌توانند کارگزاران سیاسی را به سوی اهدافی خاص سوق دهند. از این رو مشارکت سیاسی به اتکای شناخت بینشی و روشی حوزه وسیعی از عناصر ذهنی و عینی حاکم بر مناسبات اجتماعی را قابل دریافت می‌نماید.

کنش انسانی خالی از وجه معنا و ارزش و جهت‌گیری نیست. عقاید انسان به هر صورت دارای منطق، نیرو و تاریخ درونی خاصی خود است صرف نظر از اینکه چه رابطه‌ای با فرآیند عقلانیت و یا با علایق مادی داشته باشد برزندگی اجتماعی او تاثیر می‌گذارد. مشارکت سیاسی شکلی از کنش سیاسی شهروندان یک ملت است که در دو بعد مثبت یا منفی ظهور و بروز پیدا می‌کند و هر حالت اجزای متعددی دارد. رفتار سیاسی از این جهت که شامل مشارکت سیاسی می‌باشد، می‌تواند نمودهای آنرا نیز دربرگیرد. رفتار سیاسی نیز با قصد و اراده قبلی یعنی ذهنی همراه است و از این لحاظ با تصمیم‌گیری‌های فرد ارتباط پیدا می‌کند و اگر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی صحبت می‌شود تصمیم‌گیری را هم به عنوان یک کنش ذهنی و هم کنش عینی می‌توان در نظر گرفت، چراکه ممکن است بعضی از تصمیم‌گیری‌ها به عمل تبدیل نگردند.

در تحقیق حاضر بر مبنای توجه جنسیتی رفتار، کنش اجتماعی و فرهنگی تاثیرگذار بر مشارکت سیاسی جوانان تبریزی مورد مطالعه قرار گرفت. چهارچوب نظری این مطالعه بر مبنای رویکردهای مشارکت سیاسی و رفتار سیاسی است و به صورت تلفیقی از نظریات صاحب‌نظران این حوزه‌ها استفاده گردیده است.

اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که از ۳۸۴ نفر جمعیت نمونه ۱۹۶ نفر از جنس مذکر و ۱۸۸ نفر از جنس مونث هستند به عبارت دیگر ۵۱ درصد جنس مذکر و ۴۹ درصد جنس مونث هستند. داده‌های مربوط به متغیر سن پاسخگویان حکایت از آن دارد که ۱۲۷ نفر از پاسخگویان در بازه سنی ۱۹-۱۵ سال، ۱۶۶ نفر در بازه سنی ۲۴-۲۰ سال و ۹۱ نفر در بازه سنی ۲۹-۲۵ سال به شرح جدول بالا قرار می‌گیرند.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین کنش اجتماعی ۲۰/۶۰ و میزان پراکندگی و انحراف از آن ۵/۰۲ نشان از پراکندگی بالا دارد. حداقل نمره دریافتی اعتماد اجتماعی ۸ و حداکثر ۳۴ می‌باشد که میزان تغییرات آن ۲۶ می‌باشد.

نتایج بدست آمده در رابطه با متغیر کنش فرهنگی نشان می‌دهد که میانگین ۲۲/۴۸ و انحراف معیار آن ۵/۵۴ می‌باشد. حداقل نمره دریافتی ۸ و حداکثر آن ۳۸ با تغییرات فاصله‌ای ۳۰ امتیازی می‌باشد.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین نمرات برای مشارکت سیاسی بعنوان متغیر وابسته ۲۶/۷۶ و انحراف معیار ۴/۹۴ می‌باشد. حداقل نمره در این متغیر ۱۲ و حداکثر آن ۴۰ با فاصله تغییر ۲۸ می‌باشد.

از طرف دیگر نتایج در تحقیق حاضر بیانگر معنی دار بودن رابطه متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز می‌باشد که نتایج حاصل از آزمون فرضیات به شرح ذیل است:

- فرضیه ی اول:

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان کنش اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بدست آمده نشان می‌دهد که این رابطه معنی دار می‌باشد. یعنی میزان اعتماد اجتماعی به عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار می‌باشد. و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۸۷) می‌توان گفت که بین کنش اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و درحد متوسط وجود دارد. یعنی هر چه میزان کنش اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیشتر شود، متعاقباً مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان کنش فرهنگی با مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بدست آمده نشان می‌دهد که این رابطه معنی دار می‌باشد. یعنی میزان کنش فرهنگی به عنوان متغیری مستقل بر مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار می‌باشد. و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۱۴) می‌توان گفت که بین کنش فرهنگی با مشارکت سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و درحد بسیار زیاد وجود دارد.

لازم به ذکر است در تحقیق حاضر ضریب تعیین، میزان ۰/۴۱ بیانگر درصد تغییرات تبیین شده توسط متغیرهای وارد در معادله می‌باشد.

در هر روی کنش فرهنگی و کنش اجتماعی بر میزان و میانگین مشارکت اجتماعی رابطه مستقیم دارد. هر چه میزان مشارکت اجتماعی و مشارکت فرهنگی افزایش پیدا کند به همان نسبت مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد.

منابع

- توسلی، غ.، (۱۳۷۰)، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران، انتشارات سمت.
- توسلی، غ.، (۱۳۸۲)، «مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه‌آنومیک»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ساروخانی، ب.، (۱۳۷۰)، «درآمدی به دایرةالمعارف علوم اجتماعی»، تهران، انتشارات کیهان.
- کائوتری، هونین.، و دیگران، (۱۳۷۵)، «مشارکت در توسعه»، ترجمه غبرائی، هادی و طبائی، د.، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهشهای بنیادی.
- کرایب، ی.، (۱۳۸۵)، «نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس»، ترجمه مخبر، ع.، تهران، نشر آگاه.
- کرلینجر، ف.ن.، (۱۳۸۶)، «مبانی پژوهش در علوم رفتاری»، ترجمه شریفی، ح. و نجفی زند، ج.، تهران، انتشارات آوای نور، جلد اول.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کارگاهی آذربایجان غربی»، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.

- بررسی مطالعه جامعه شناختی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: جوانان شهر تبریز در سال ۱۳۹۶) / ۱۹
- چابکی، ام‌البین (۱۳۷۳)، «نقش عوامل روانشناختی در مشارکت سیاسی زنان»، در مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی: ۲۳۸-۲۶۵.
 - عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «مسائل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، مجله جامعه شناسی، شماره ۱۸: ۶۳-۹۹.
 - عبداللهی، محمد (۱۳۸۷)، زنان در عرصه عمومی (عوامل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی)، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
 - لیست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: نشر توس.
 - محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۳)، «موانع مشارکت مدنی زنان در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۲: ۹۳-۱۳۰.
 - مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۱)، بررسی نگرش شهروندان تهران نسبت به زنان، تهران: انتشارات مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
 - موسوی، طاهر (۱۳۷۷)، عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
 - ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲)، موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: نشر کویر.
 - هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.
 - میلبرث، لستر و لیل گوئل (۱۳۸۶) مشارکت سیاسی، ترجمه رحیم ابو الحسنی، تهران: نشر میزان.
 - Collinz, Alan (2002) "Burma's Civil War: A Case of Societal Security", *Civil Wars Journal*, Vol. 5, No. 4, p.p. 119-134
 - Coser.lewis A. (1977). *Masters of Sociological Thouht* Orlando Fal: College Publisher
 - Effret. Andrew (1972) *Perspectives in Political Sociology: The Bobb Merrill Company, Inc.*
 - Homans, George C. (1964). *Bringing Men Back*. *American Sociological Review*, 29 December: 809-818.
 - Smelser, Neil S. (1988). *Handbook of Sociology*. London: Sage Publications.
 - Waldman, Sydney R. (1972) *Exchange Theory and Political Analysis*, In Effret, -Andrew (ed). *Perspectives in Political Sociology* Indianapolis: The Bobb Merrill Company, Inc.
 - D. Sanders, *Patterns of Political Instability*. London, Macmillan press, 1981, pp. 18 - 19.
 - Dowse Robert E.and hughes, Jhon. A., *polidical sociology* London, 1975.
 - Gabriel A.Almond, etal, *comparative Politic Stoday: a World neiw*, Bostion: Little brown and company, (1974), P. 480
 - Singer milton "The conceptof" in the international Encgclopedia of the social, (NewYork): the macmillan and free press, 1986), Vol. 3, P.527.
 - Huntington.S & J.M Nelson (1976), *Political Participation in Developing Countries* Cambridge, Harvard University Press.
 - Kaase max and Alan march (1979) *political action. A theory cal perspective'* In *PoliticalAction, Participation In Five Western Democracies*, London: Sage.
 - Kim, Seongjin (2008) "Concept of Societal Security and Migration Issues in Central Asia and Russia", *CAMMIC Working Papers*, No.2, p.p. 1-20.
 - Mc Clurg. S. D (2001), *Social Networks and Political Participation*, Internet: Google Site.
 - Mcclosky, E. (1985) *International Encyclopedia of the Social Sciencos*,the New York
 - McClurg, S.D. (2003), "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation"*Political Research Quarterly*, 56(December).
 - Michael G.Roskin, *Political Science, An in trodution*, (New Jersy: Prentice - hall international (Inc. 1988). P. 141.
 - Milbrath, Lester W. and MadanLal Goel (1977). *Political Participation How and Why People Get Involved in Politics*, Chicago: Rand McNally.
 - Millbrath, L. *political participation*, *Hand book of political behavoir*, vol. 4, (ed), s. long, (new york: plenum press, 1981), p. 201.

Sociological study of the role of socio-cultural factors on political participation of young people in Tabriz city in 1396

Hooshangh Najafi¹

PhD Student in Political Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Mehrdad Navabakhsh^{2*}

Professor of Sociology, Islamic Azad University, West Tehran. Iran. (Corresponding Author)

Bahram Ghadimi³

Associate Professor, Department of Sport Sociology. Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Tahmoures Shiri⁴

Member of faculty. Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Ebrahim Mottaghi⁵

Professor of the Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract: *The present study, entitled Sociological Survey, considers the role of socio-cultural factors on the political participation of youth in Tabriz in 2017, the statistical population of youth living in Tabriz, which are in the age range of 15-29, has been done. According to the population and housing census of 1394, the statistical population in Tabriz is 1173916 people, of which 575219 are women and 598697 are men. To estimate the sample size in this study, Cochran's formula was used, during which the required number of samples was calculated to be 384 people. The sampling method in the present study is multistage and clustered. In this method, the members of the society are selected according to a hierarchy of units that are larger than the types of units of the society. Cultural action and social action have a very significant relationship with the political participation of young people.*

Key words: *Cultural action, social action, political participation, Tabriz youth.*

¹ Email: hooshanghnajafi@gmail.com

² Email: mehrdad_navabakhsh@yahoo.com (Corresponding Author)

³ Email: dr.b.ghadimi@gmail.com

⁴ Email: shiri.tahmoures@gmail.com

⁵ Email: emottaghi@ut.ac.ir